

جایگاه مرتکبان جرایم تروریستی در احراز وضعیت پناهندگی

فاطمه کیهانلو*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۹

چکیده

هدف کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگی، ارائه حمایت بین‌المللی به افرادی است که از حمایت ملی در برابر آزار محروم‌اند. منظور از حمایت بین‌المللی حمایتی است که از جانب دولتی غیر از دولت متبوع یا محل اقامت فرد (در مورد افراد بی‌تابعیت) به آنها ارائه می‌شود. اعطای این حمایت موقوف به احراز شرایطی است که در کنوانسیون ۱۹۵۱ پیش‌بینی شده است. کنوانسیون ۱۹۵۱ همچنین مقرراتی برای جلوگیری از هر نوع سوء استفاده از وضعیت پناهندگی دارد. این مقررات دولت‌ها را از اعطای پناهندگی به مرتکبان جرایم غیرسیاسی مهم و جنایاتی چون جنایت علیه بشریت یا اقدام علیه اهداف و اصول ملل متحد، حتی با داشتن شرایط برخورداری از وضعیت پناهندگی، منع می‌کند. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که مرتکبان جرایم تروریستی از چه جایگاهی در کنوانسیون پناهندگی برخوردارند؟ مقاله در پاسخ به پرسش فوق این فرضیه را دنبال می‌کند که مرتکبان جرایم تروریستی به علت قرار گرفتن در حیطه ماده (و) ۱ کنوانسیون پناهندگی شایسته احراز وضعیت پناهندگی نیستند.

کلید واژگان:

پناهنده، تروریسم، جرم سیاسی، شروط محرومیت از پناهندگی، کنوانسیون پناهندگی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

تا پیش از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کشورهای پناهنده‌پذیر در بررسی درخواست‌های پناهندگی، به ندرت به قابلیت اعمال شروط استثنا یا محرومیت^۱ از پناهندگی مندرج در بند (و) ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل در مورد وضعیت پناهندگی^۲ (از این پس: کنوانسیون پناهندگی) توجه نشان می‌دادند. پس از وقوع حملات مزبور و با صدور قطعنامه^۳ ۱۳۷۳ توسط شورای امنیت، شروط محرومیت از وضعیت پناهندگی در مرکز توجه مراجع رسیدگی به دعاوی پناهندگی در کشورهای پناهنده‌پذیر قرار گرفت. قطعنامه از دولت‌ها می‌خواست به منظور حصول اطمینان از اینکه پناهجو در فعالیت‌های تروریستی مشارکت نداشته یا آنها را طراحی و تسهیل نکرده، پیش از اعطای پناهندگی اقدامات لازم بر طبق مقررات مرتبط در قوانین ملی و بین‌المللی از جمله استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر را به عمل آورند. این قطعنامه در بند دیگری از دولت‌ها می‌خواهد تضمین کنند که وضعیت پناهندگی توسط مرتکبان، سازمان‌دهندگان یا تسهیل‌کنندگان اعمال تروریستی مورد سواستفاده قرار نمی‌گیرد و ادعای آنها بر داشتن انگیزه سیاسی مانع استرداد آنها نمی‌شود.^۴

در همین راستا، الزام به گزارش اقدامات به کمیته مبارزه با تروریسم که مطابق بند ۶ همین قطعنامه تأسیس شد، دولت‌ها را واداشت تا در راستای اجرایی کردن دستورات شورای امنیت، در به‌کار بستن تعاریف مندرج در کنوانسیون پناهندگی رویکرد دقیق‌تر و سخت‌گیرانه‌تری را اتخاذ کنند. بند (و) ماده ۱ کنوانسیون پناهندگی یکی از موادی است که در این زمینه ممکن است مورد توجه خاص واقع شود. این بند افرادی را که شایسته احراز وضعیت پناهندگی نیستند، در سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: الف) مرتکبان جنایت علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی؛ ب) مرتکبان جرایم غیرسیاسی مهم؛ ج) مرتکبان اعمال مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد. هر یک از این دسته‌ها تاب این تفسیر را دارند که مرتکبان جرایم تروریستی را نیز پوشش دهند. بررسی

1. Exclusion clauses.
2. UN Convention on the Status of Refugees.
3. UNSC 1377, 28 Sep 2001, para 3(f) & (g).

اینکه در رویکرد کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان^۱ (ازین پس کمیساریای پناهندگان) و رویه و عملکرد دولت‌ها چنین تفسیری تا چه حد قابل پذیرش و اعمال است، مسئله‌ای است که این مقاله به آن می‌پردازد.

فرضیه نویسنده این است که علی‌رغم عدم جنایت‌انگاری تروریسم در حقوق بین‌الملل به عنوان جنایتی مستقل و عدم اشاره صریح ماده (و) ۱ کنوانسیون پناهندگی به محرومیت مرتکبان اعمال تروریستی از وضعیت پناهندگی، کمیساریای پناهندگان و دولت‌های پناهنده‌پذیر این افراد را شایسته برخورداری از حمایت بین‌المللی تلقی نمی‌کنند. بررسی اختصاری اسناد و مواضع کمیساریای پناهندگان در خصوص بند (و) ماده ۱ کنوانسیون پناهندگی همراه با مطالعه موردی برخی آرا صادره از مراجع انگلیسی رسیدگی به دعوای پناهندگی، موضوعی است که در این مقاله طی دو بند انجام می‌شود. در بند اول تعاریف و مفاهیم شقوق سه‌گانه محرومیت از پناهندگی و در بند دوم آیین، آثار و نحوه اعمال این شقوق مورد بررسی واقع خواهند شد.^۲

۱. تعاریف و مفاهیم شقوق سه‌گانه محرومیت از پناهندگی

مطابق بند (و) از ماده ۱ کنوانسیون پناهندگی، «مفاد کنوانسیون در مورد اشخاص زیر در صورتی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر مراتب زیر وجود داشته باشد مجری نخواهد بود...»:

۱.۱. اشخاصی که مرتکب جنایت علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشند.

معیار شناسایی جنایت علیه صلح، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی (به تصریح فقره (الف) ماده (و) ۱)، تعاریف مندرج در آن دسته از اسناد بین‌المللی است که برای پیش‌بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده‌اند. با توجه به ضرورت تفسیر پویای کنوانسیون، منظور از این اسناد علاوه بر منشور دادگاه نظامی بین‌المللی ۱۹۴۵ (معروف به منشور لندن)^۳ و کنوانسیون‌های

1. United Nations High Commissioner for Refugees: UNHCR.

۲. لازم است خاطر نشان شود منظور از مرتکبین اعمال تروریستی در این مقاله، افرادی است که با تهدید به ارتکاب یا ارتکاب جرایم خشونت آمیز علیه امنیت عمومی، به دنبال ارباب مردم یا تأثیرگذاری بر تصمیمات یا اقدامات دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی هستند. عبدالهی، محسن، *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۸۳.

3. Charter of the International Military Tribunal: The London Charter.

چهارگانه ژنو در مورد مخاصمات مسلحانه ۱۹۴۹ که در زمان تدوین کنوانسیون پناهندگی لازم‌الاجرا بودند، اساسنامه دادگاه‌های موقتی بین‌المللی کیفری (مانند اساسنامه دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا) و مهم‌تر از همه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم) است.^۱ در نتیجه محرومیت پناهجو از پناهندگی به استناد ارتکاب جرایم پیش‌گفته نیز مستلزم تحقق شرایطی است که در مقررات حقوق بین‌الملل کیفری پیش‌بینی شده است.

کمیساریای پناهندگان برای اثبات جنایت علیه صلح در مقایسه با دو جنایت دیگر آستانه بالاتری را در نظر گرفته است. این بدان علت است که مطابق تعریف ارائه شده در منشور لندن این جنایت «برنامه‌ریزی، تدارک، شروع یا مبادرت به جنگ تجاوزکارانه، یا جنگ در نقض معاهدات، توافق‌ها یا تضمین‌های بین‌المللی، یا مشارکت در برنامه مشترک یا توطئه برای تحقق هر یک از موارد پیش‌گفته» را شامل می‌شود که ارتکابشان جز به وسیله مقامات عالی‌رتبه دولتی یا نهادهای شبه‌دولتی امکان‌پذیر نیست.^۲ به همین دلیل، در عمل، به‌ویژه در رسیدگی به دعای پناهندگی متهمان به ارتکاب جرایم تروریستی، این جنایت بسیار کمتر از دو جرم دیگر (جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی) مستند رد درخواست‌های پناهندگی قرار می‌گیرد. این در حالی است که با جمع شدن شرایط، عمل تروریستی ارتکاب یافته در زمان درگیری مسلحانه را می‌توان جنایت جنگی نامید؛ زیرا جنایت جنگی به نحو مقرر در اساسنامه رم اعمالی مانند حمله عمدی به غیرنظامیان، استفاده از سلاح‌های کور و گروگانگیری در زمان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی را شامل می‌شود.^۳ بنابراین، اقدامات اعضای گروه‌های تروریستی طرف یک درگیری مسلحانه، ممکن است به شرط رسیدن به آستانه مقرر در اساسنامه رم محرومیت مرتکبان آن اقدامات از پناهندگی را به دنبال داشته باشد.^۴

یکی از محدود دعوایی که در آن دست داشتن متقاضی در ارتکاب جنایت جنگی مبنای رد درخواست پناهندگی او قرار گرفته، دعوی پناهندگی پناهجوی مرد بیست و هشت ساله‌ای

1. UNHCR Guidelines on International Protection, 2003, para 10.

2. *Ibid.*, para 11.

3. 8 ICC Statute, 1998, Art.8.

4. Singer, Sarah, "Exclusion from Refugee Status: Asylum Seekers and Terrorism in the UK", *Legal Research Series Working Paper*, No. 2, Center for Criminal Justice & Human Rights, Ireland, 2012p 6.

از سریلانکاست که از ده سالگی به عضویت گروه ببرهای آزادی‌بخش تامیل^۱ درآمد و در آن گروه پست‌های مختلف و مهمی را احراز کرده بود. او در اکتبر ۲۰۰۶ برای انجام مأموریت به‌طور ناشناس وارد کلمبو پایتخت سریلانکا شد که اطلاع یافت پلیس سریلانکا به محل اختفایش پی برده است. بنابراین با ترتیبات داده شده توسط گروه، سریلانکا را ترک کرد و وارد انگلستان شد. دو روز پس از ورود به انگلستان هم درخواست پناهندگی خود را به ثبت رساند.^۲ این درخواست پس از طی مراحل اولیه، در نهایت توسط دیوان عالی انگلستان با استناد به فقره (الف) از ماده (و) ۱ کنوانسیون پناهندگی و به‌طور مشخص دست داشتن متقاضی در ارتکاب جنایات جنگی رد شد. مبنای رسیدگی و صدور حکم دیوان عالی، مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق همچنین رأی دادگاه اخیر در قضیه معروف تادیچ بود.^۳ ضرورت احراز عنصر معنوی یا علم و عمد پناهجو در ارتکاب جرایم موضوع فقره (الف) از ماده (و) ۱ و عنصر مادی جرم از جمله به‌وسیله تعیین موردی آستانه لازم برای مشارکت در ارتکاب، مساعدت یا تحریک به ارتکاب جرم از جمله موارد بررسی شده توسط دیوان عالی انگلستان بود.^۴

به‌طور مشابه، عمل تروریستی ارتکاب‌یافته در چارچوب حملات گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی نیز ممکن است جنایت علیه بشریت تلقی شود.^۵ بدین ترتیب اقدام واحد انجام شده توسط اعضای یک گروه تروریستی (که بازیگر غیردولتی محسوب می‌شوند)، به شرط آن که جزئی از یک برنامه وسیع‌تر یا سیاست سازمان‌یافته باشد، ممکن است موجب محرومیت مرتکبان از وضعیت پناهندگی شود.^۶ در این خصوص دعوای پناهندگی مردی از اتباع افغانستان قابل توجه است که در زمان جنگ بین مجاهدین و اتحاد شوروی در سرویس اطلاعاتی^۷ دولت کمونیست افغانستان خدمت می‌کرد. با سقوط دولت کمونیست، وی که به درجه ژنرالی رسیده

1. Liberation Tigers of Tamil Eelam: LTTE.

2. **R v. Secretary of State for the Home Department**, 17 March 2010, available at: <https://www.supremecourt.uk/cases/docs/uksc-2009-0121-judgment.pdf>, para 4.

3. *Ibid*, paras 14-19.

4. *Ibid.*, paras 36-38.

5. 7 ICC Statue, 1998, Art. 7.

6. Singer, *op.cit.*, , p 6.

7. Intelligence Service Agency: Khadamat-e Aetla'at-e Dawlati: KhAD.

بود، شغل خود را از دست داد (۱۹۹۲). او در سال ۱۹۹۴ به ظن شرکت در کودتایی نافرجام دستگیر و بازجویی شد، اما با کمک یک دوست توانست به مزار شریف بگریزد و تا سال ۲۰۰۱ در آنجا مخفیانه زندگی کند. سوای این توضیحات، ادعای متقاضی بر وضعیت پناهندگی بر تهدیداتی استوار بود که به علت ربوده و کشته شدن خانواده فردی به نام امیر محمود از جانب ژنرال اکرام‌الدین از فرماندهان اتحاد شمال افغانستان به رهبری ژنرال فهیم دریافت کرده بود. این اتفاق در دهه ۸۰ میلادی که متقاضی مسئولیت سرویس اطلاعاتی منطقه پنجشیر را بر عهده داشت، افتاده بود. اما تهدیدها زمانی آغاز شد که نیروهای اتحاد شمال وارد مزار شریف شدند. امری که فرار متقاضی به انگلستان و درخواست پناهندگی او از این کشور را به دنبال داشت.^۱ مرجع بدوی برای رسیدگی به این درخواست، به بررسی عملکرد سرویس اطلاعاتی افغانستان و نقش آن در ارتکاب خشونت از جمله شکنجه و کشتار مخالفان دولت پرداخت، اما با توجه به سمت‌های متقاضی از یک سو و ضرورت تفسیر مضیق شروط محرومیت از پناهندگی از سوی دیگر، چنین نتیجه گرفت که چون دخالت مستقیم متقاضی در ارتکاب جنایت علیه بشریت مسلم نیست، نمی‌توان او را از پناهندگی محروم کرد. این نظر در دیوان عالی هم تأیید شد.^۲

۱.۲. اشخاصی که قبل از آنکه در کشور پناه‌دهنده به‌عنوان پناهنده پذیرفته شوند، در خارج از آن کشور مرتکب جرایم غیرسیاسی مهمی شده‌اند.

فقرة (ب) در مورد کسانی است که به علت ارتکاب جرم غیرسیاسی مهم شایسته احراز وضعیت پناهندگی شناخته نمی‌شوند. اینکه منظور از جرم مهم^۳ چیست، محل بحث فراوان است. از نظر کمیساریای پناهندگان، جرم مهم در سیاق فعلی باید به جرم منتهی به اعدام یا عملی که برای آن مجازات بسیار سنگینی در نظر گرفته شده است، تعبیر شود. کمیساریا بر این اعتقاد است که ارتکاب جرائم کوچک که برای آنها مجازات‌های متوسط در نظر گرفته شده است، حتی اگر

1. **DS v Secretary of State for the Home Department**, 24 March 2009, available at: http://www.refworld.org/cases,GBR_CA_CIV,49ca60ae2.html, para 53.

2. *Ibid.*, paras 58, 77.

3. Serious crime.

در قانون کیفری کشور مربوطه به عنوان «جنایت» شناخته شوند، دلیلی برای محروم شدن از وضعیت پناهندگی به موجب فقره (ب) از ماده (و) ۱ فراهم نمی‌کند.^۱

به طور معمول، مراجع رسیدگی‌کننده به دعاوی پناهندگی برای تشخیص مهم بودن یا نبودن جرایم به قوانین داخلی کشور خود مراجعه می‌کنند. برای مثال، مطابق قانون تابعیت، مهاجرت و پناهندگی انگلستان جرمی مهم تلقی می‌شود که اگر در آن کشور ارتکاب می‌یافت، مرتکب آن حداقل با دو سال حبس یا بیشتر مواجه می‌شد.^۲ در عین حال، تفاسیر ارائه شده از جانب آن مراجع در تعدیل قوانینی این چنین که آستانه پایینی دارند و می‌توانند محرومیت تعداد زیادی از متقاضیان پناهندگی را به دنبال داشته باشند، نقش بسزایی ایفا می‌کند. برای مثال، به نظر قاضی انگلیسی رسیدگی‌کننده به درخواست پناهندگی فردی الجزایری که در مدت حضور در انگلستان به طور غیابی به بمب‌گذاری در کشورش محکوم شده بود، در رسیدگی به مهم بودن یک جرم، علاوه بر مجازات باید تمامی دیگر عوامل و موضوعات مرتبط با جرم از جمله نقش متقاضی در ارتکاب آن و عوامل مخففه یا مشدده مورد توجه واقع شوند. صدمات ناشی از جرم و مهم تلقی شدن آن در بیشتر حوزه‌های قضایی نیز حائز اهمیت است. بدین ترتیب، علاوه بر قتل، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه و توسل به خشونت برای ایراد صدمه به افراد عادی، حتی اقدام به کلاهبرداری در مقیاس گسترده، که ارتکاب آن مستلزم توسل به خشونت نیست، هم می‌تواند موجب محرومیت از پناهندگی شود.^۳

تأکید بند (ب) بر محرومیت مرتکبان جرایم غیرسیاسی مهم^۴ از تحصیل پناهندگی است. بنابراین، ارتکاب جرم مهم در صورتی محرومیت از پناهندگی را به دنبال دارد که با انگیزه سیاسی همراه نبوده باشد. این انگیزه مرز میان جرایم سیاسی از جرایم تروریستی را کم‌رنگ و

1. UNHCR, Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status, 1979, re-edited in 1992, para 155.

2. Nationality, Immigration and Asylum Act 2002, Sec 72.

3. AH v Secretary of State for the Home Department, 2 April 2012, available at: http://www.refworld.org/cases,GBR_CA_CIV,4fedc0fb2.html, para 54.

4. Serious non political crime.

تشخیص جرایم سیاسی از جرایم تروریستی را بسیار دشوار می‌سازد. علت آن است که ویژگی اصلی جرایم تروریستی نیز انگیزه سیاسی مرتکبان آن است.^۱

توصیه کمیساریای پناهندگان این است که برای تصمیم‌گیری در مورد سیاسی یا غیر سیاسی بودن یک جرم ابتدا به ماهیت و هدف آن توجه شود تا مشخص گردد که جرم مزبور بنا به انگیزه‌های سیاسی واقعی ارتکاب یافته یا دلایل و منافع شخصی؛ همچنین از غلبه عنصر سیاسی جرم بر ماهیت عمومی آن و وجود رابطه سببی نزدیک و مستقیم میان جرم ارتكابی و اهداف سیاسی اطمینان حاصل شود.^۲ کمیساریا بر این نظر است که خشونت در ارتکاب جرم، وصف سیاسی آن را زایل می‌کند؛ و از دولت‌ها می‌خواهد برای شناسایی ماهیت سیاسی یا غیرسیاسی یک جرم علاوه بر رجوع به معاهدات استرداد به عنوان یک ابزار کمکی، هماهنگی و انطباق اهداف سیاسی با اصول حقوق بشر را نیز مد نظر قرار دهند.^۳

در همین راستا، موضع مجلس اعیان انگلستان در دعوی پناهندگی فردی از اعضای جبهه رستگاری اسلامی^۴ که هدفش سرنگونی دولت حاکم بر الجزایر از راه‌های خشونت‌آمیز بود، در خور توجه است. از جمله فعالیت‌های این گروه که متقاضی هم در آن مشارکت داشت، انفجار بمبی در یک فرودگاه بود که منجر به کشته شدن ده نفر شد. هیچ یک از مقتولین از مخالفان جبهه رستگاری اسلامی نبودند و در کشمکش‌های این گروه با دولت نقشی نداشتند. مجلس اعیان برای تحقق جرم سیاسی احراز دو شرط را لازم دانست. اول آنکه جرم برای یک هدف سیاسی مانند سرنگونی یا تغییر حکومت یا تغییر یکی از سیاست‌های آن ارتکاب یابد؛ دوم اینکه بین جرم و هدف سیاسی مورد ادعا رابطه مستقیمی وجود داشته باشد؛ همچنین تأکید کرد برای

۱. برای تعریف دقیق‌تری از جرم تروریستی نک. کنوانسیون ۱۹۹۹ در مورد سرکوب منابع مالی تروریسم که عمل تروریستی را عملی می‌داند که به قصد ایراد صدمه جسمی شدید یا مرگ غیرنظامیان، یا هر فرد دیگری که در وضعیت درگیری‌های مسلحانه بطور فعال در مخاصمات شرکت ندارد انجام می‌شود و منظور از آن، بواسطه ماهیت یا زمینه‌اش (context)، تهدید جمعیت یا واداشتن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی است (ماده (ب)۲).

2. UNHCR Handbook, op.cit., para 152.

3. UNHCR, Guidelines on International Protection: Application of the Exclusion Clauses: Article 1F of the 1951 Convention relating to the Status of Refugees, HCR/GIP/03/05, 4 September 2003, para 15.

4. Front Islamique du Salut.

احراز وجود چنین رابطه‌ای لازم است، علاوه بر ابزار به کار گرفته شده برای تحقق هدف سیاسی مورد نظر، نظامی، دولتی یا غیرنظامی بودن قربانیان احتمالی و امکان منجر شدن حمله به کشته یا مجروح شدن غیرتبعیض‌آمیز شهروندان عادی مورد توجه واقع شود.^۱

از آنجا که در عمل، نامشخص بودن دامنه تفسیر آنچه «خشونت شدید» نامیده می‌شود، صلاحدید گسترده‌ای را برای محروم کردن مرتکبان کلیه جرایم اعم از کوچک و بزرگ از وضعیت پناهندگی در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد، کمیساریای پناهندگان به مراجع رسیدگی کننده توصیه می‌کند تا به‌طور مشخص و فقط در مورد این فقره از ماده (و) ۱، با به کار بستن ضابطه توازن^۲ به ارزیابی تناسب میان صدمات ناشی از فعل ارتکاب یافته و نتایج ناشی از محرومیت از پناهندگی بپردازند و فقط در صورتی مرتکب را از وضعیت پناهندگی محروم کنند که این امر صدمه‌ای بیشتر از آنچه مرتکب در صورت مواجهه با آزار در معرض آن قرار می‌گیرد، به او وارد نکند.^۳

در ارزیابی دعاوی مشمول این فقره همچنین باید تمامی عوامل مرتبط از جمله جهات تخفیف یا تشدید مجازات مدنظر قرار گیرند. توجه به اینکه متقاضی پناهندگی به تازگی دوره محکومیت خود را سپری کرده یا مورد بخشش یا عفو قرار گرفته، نیز حائز اهمیت است. در مورد اخیر فرض بر این است که قواعد محرومیت دیگر بر متقاضی پناهندگی قابل اعمال نیست، مگر آنکه ثابت شود علی‌رغم بخشودگی یا عفو، سیرت مجرمانه او به قوت خود باقی است.^۴

از دیگر شرایط مشروعیت استناد به فقره (ب) از ماده (و) ۱ که در فقره‌های (الف) و (ج) به چشم نمی‌خورد، ضرورت ارتکاب یافتن جرم غیرسیاسی مهم در خارج از کشور پناهنده‌پذیر و پیش از تحصیل پناهندگی است. فردی که پس از تحصیل وضعیت پناهندگی در کشور میزبان مرتکب جرم غیرسیاسی مهمی مانند جرم تروریستی شود براساس قوانین کیفری کشور میزبان

1. **T v Secretary of State for the Home Department**, 22 May 1996, available at: http://www.legco.gov.hk/yr13-14/english/hc/sub_leg/sc53/papers/sc530121cb2-897-1-e.pdf, , pp 749-750.

2. Balancing test.

3. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., para 24.

4. UNHCR Handbook, op. cit., para 157.

محاکمه می‌شود و ممکن است حسب تشخیص مراجع صلاحیتدار مشمول مقررات ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگی در مورد اخراج قرار بگیرد.^۱

۱.۳. اشخاصی که مرتکب اعمالی شده باشند که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است. اهداف و اصول ملل متحد در مواد ۱ و ۲ منشور ذکر شده و مواردی مانند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها، همکاری در حل مسائل بین‌المللی (اهداف) و احترام به حاکمیت برابر دولت‌ها، انجام با حسن نیت تعهدات بین‌المللی، خودداری از تهدید یا توسل به زور، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و... (اصول) را دربرمی‌گیرد. چنان‌که مشاهده می‌شود، این بند به اعمالی اشاره دارد که انجام آنها از عهده اشخاص عادی خارج است. ظاهراً طراحان کنوانسیون ایده مشخصی برای گنجاندن این بند مدنظر نداشتند. با این همه، وقتی نمایندگان انگلستان و کانادا به علت ابهام زیاد و فراهم شدن زمینه سوءاستفاده، پیشنهاد حذف آن از پیش‌نویس کنوانسیون را مطرح کردند با آن مخالفت شد.^۲

همانند دو فقره پیشین، کمیساریای پناهندگان تفسیر مضیق و محتاطانه این بند را توصیه و اعلام کرده است که بند مزبور فقط باید در مورد فعالیت‌هایی مورد استناد واقع شود که پایه‌های همبستگی جامعه بین‌المللی را هدف قرار می‌دهند. پس چنین فعالیتی باید دارای ابعاد بین‌المللی باشد. جرایمی که مستعد تأثیرگذارن بر صلح و امنیت بین‌المللی یا روابط صلح‌آمیز میان دولت‌هاست، همچنین نقض‌های شدید و مستمر حقوق بشر در این دسته قرار می‌گیرند.^۳ جرایم تروریستی بارزترین نمونه این‌گونه فعالیت‌هاست. مؤید این ادعا، قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۷ شورای امنیت است که تصریح دارد اعمال، روش‌ها و رویه‌های تروریستی همچنین کمک مالی، طرح‌ریزی و تحریک عامدانه فعالیت‌های تروریستی مغایر اهداف و اصول ملل متحد است.^۴

۱. ماده ۳۲ مقرر می‌دارد: «۱- دول متعاقد پناهنده‌ای را که به طور منظم در سرزمین آنان بسر می‌برند، اخراج نخواهند کرد، مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی. ۲- اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شود که برای رفع اتهام از خود مدرکی ارائه دهد، تقاضای استیناف نماید و به مقامات صلاحیت‌دار یا شخص یا اشخاصی که مقامات صلاحیت‌دار تعیین نموده‌اند، مراجعه نماید، مگر آنکه این امر به دلایل امنیت ملی میسر نباشد.

2. Grahl-Madsen, *The Status of Refugees in International Law*, vol I, Sijthoff-Leiden, 1966, vol I, p 283.

3. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., para 17.

4. SC Resolution 1373, 28 September 2001; and SC Resolution 1377, 12 November 2001.

بخش ۵۴ از قانون مهاجرت، پناهندگی و تابعیت انگلستان (۲۰۰۶) در تفسیر فقرهٔ اخیر مادهٔ (و) ۱، اعمال معیار اهداف و اصول متحد را به‌ویژه شامل عمل ارتکاب، تدارک یا برانگیختن تروریسم و عمل تشویق یا واداشتن به ارتکاب، تدارک یا برانگیختن تروریسم تعریف می‌کند؛ حتی اگر آن عمل به جرم کامل منتهی نشده باشد.^۱

در میان دعاوی معدودی که در آنها فقرهٔ (ج) مستند رد درخواست پناهندگی قرار گرفته، دعاوی السیری در خور توجه است. السیری یک تبعهٔ مصری بود که مرجع انگلیسی رسیدگی به دعاوی پناهندگی بنا به دلایل زیر او را شایستهٔ احراز پناهندگی تشخیص نداده بود؛ بنا به این دلایل: نوشتن مقدمه‌ای بر کتاب یکی از نویسندگان سرشناس عضو گروه جماعت اسلامی (گروهی که در قوانین داخلی انگلستان، کانادا، امریکا و توسط اتحادیه اروپا به عنوان گروه تروریستی شناخته شده)، در اختیار داشتن نسخهٔ چاپ نشدهٔ کتابی از آیمن ظواهری رهبر سابق جهاد اسلامی مصر، در اختیار داشتن کتاب‌ها و ویدئوهای مربوط به اسامه‌بن لادن و القاعده، انتقال پول به/از کشورهای خارجی در مبالغی بیش از درآمدش و مهم‌تر از همه، توطئه‌چینی برای قتل احمدشاه مسعود، رهبر اتحاد شمال افغانستان، به تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ (دو روز پیش از حمله به برج‌های دوقلو). قاضی رسیدگی‌کننده با توجه به مدارک موجود، درخواست وی را به استناد فقره (ج) از مادهٔ (و) ۱ رد کرد.^۲

السیری در مرحله استیناف، با این استدلال نظر مرجع بدوی را زیر سوال برد که اعمال تروریستی نسبت داده شده به وی جنبهٔ داخلی دارند؛ درحالی‌که برای محرومیت از پناهندگی، اعمال تروریسم بین‌المللی ضرورت دارد. در پاسخ به این استدلال دادگاه به بررسی قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت در مورد مبارزه با تروریسم پرداخت و به این نتیجه رسید که قطعنامه‌های مزبور به تروریسم بین‌المللی محدود نیستند و هرگونه اقدام تروریستی اعم از داخلی یا بین‌المللی را محکوم و ممنوع می‌کنند.^۳

1. Immigration, Asylum and Nationality Act 2006, sec 54.

2. **Al-Sirri v Secretary of State for the Home Department**, 21 November 2012, available at: http://www.asylumlawdatabase.eu/sites/www.asylumlawdatabase.eu/files/aldfiles/UKSC%2054_%2021%20November%202012.pdf, paras 19, 25(2).

3. *Ibid.*, paras 26-38.

با این همه، دادگاه مزبور با توجه به تأکید کمیساریای پناهندگان بر ضرورت تفسیر مضیق شروط استثنا و تصریح بند ۱۷ دستورالعمل آن به اینکه فعالیت‌های مشمول فقره (ج) باید ابعاد بین‌المللی داشته باشد و بتواند بر صلح، امنیت و روابط دوستانه بین‌المللی اثر بگذارد، فقط ارتکاب اعمال تروریستی در مقیاس بین‌المللی را موضوع فقره (ج) تشخیص داد؛ در عین حال به این نتیجه رسید که تروریسم بین‌المللی در مواردی که یک دولت برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیت‌های تروریستی سرزمین خود را در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهد، نیز تحقق می‌یابد؛ زیرا ملاک اصلی این است که اعمال انجام شده تأثیری جدی بر صلح، امنیت و روابط دوستانه میان دولت‌ها داشته باشد. با این استدلال‌ها دادگاه عالی انگلستان همچون دادگاه استیناف، متقاضی پناهندگی را شایسته احراز وضعیت پناهندگی تشخیص نداد.^۱

متقاضی پناهندگی در یک دعوی دیگر، فردی از اتباع افغانستان بود که تا زمان حمله ایالات متحده به افغانستان با طالبان همکاری داشت. وی پس از به قتل رسیدن برادرش توسط نیروهای دولتی حامی حامد کرزی که مانند خودش با طالبان همکاری می‌کرد، به گروه نظامی حزب اسلامی افغانستان پیوست و فرماندهی ده تا پانزده نفر را برای فرماندهی عملیات نظامی علیه دولت حاکم و نیروهای ایساف^۲ برعهده گرفت. اما با توجه به وجود خطر مرگ از سوی نیروهای کرزی برای حفظ جان‌ش، در نهایت از طریق واسطه‌ای در پاکستان وارد انگلستان شد و درخواست پناهندگی خود را مطرح کرد.^۳

دادگاه برای بررسی شایستگی متقاضی در برخورداری از حمایت بین‌المللی به بررسی وضعیت ایساف پرداخت. ایساف یک نیروی نظامی متشکل از نظامیان کشورهای عضو ناتو بود که به موجب قطعنامه^{۱۳۸۶} شورای امنیت (۲۰ دسامبر ۲۰۰۱) به منظور ایجاد محیطی مساعد برای فعالیت دولت موقت افغانستان و نیروهای سازمان ملل، مسئولیت کمک به دولت موقت برای برقراری امنیت در کابل و مناطق هم‌جوار را برعهده گرفته بود. علاوه بر این، شورای امنیت طی

1. *Ibid.*, paras 37,38,40.

2. *The International Security Assistance Force: ISAF.*

3. **DD v Secretary of State for the Home Department**, 21 November 2012, available at: http://www.asylumlawdatabase.eu/sites/www.asylumlawdatabase.eu/files/aldfiles/UKSC%2054_%2021%20November%202012.pdf, paras 41,42.

قطعه‌نامهٔ دیگری به منظور توسعه و ترویج حقوق بشر و حکمرانی قانون، ترویج آشتی ملی و مدیریت کمک‌های بشردوستانه با استقرار نیروهای یوناما^۱ در افغانستان نیز موافقت کرده بود (۲۳ می ۲۰۰۲). در رسیدگی به این درخواست میان دادگاه و وکیل پناهجو در مورد اینکه اقدام به حمله علیه نیروهای سازمان ملل مشمول فقره (ج) از ماده (و) ۱ قرار می‌گیرد، اختلافی وجود نداشت.^۲ استدلال هر دو طرف بر کنوانسیون ۱۹۹۴ در مورد ایمنی کارکنان سازمان ملل و پرسنل وابسته^۳ مبتنی بود. اختلافات از مقایسه کارویژه نیروهای یوناما به عنوان نیروهای حافظ صلح تحت امر سازمان ملل و نیروهای ایساف به عنوان نیروهای نظامی تحت امر دولت‌های عضو پیمان ناتو سرچشمه می‌گرفت. به اعتقاد وکیل پناهجو نیروهای ایساف تابع ماده (۲) کنوانسیون مزبور قرار می‌گرفتند که مقرر می‌کند، موازین وضع شده نسبت به آن دسته از نیروهای سازمان ملل که توسط شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور به عنوان نیروی قهری وارد عمل می‌شوند، قابل اعمال نیست. دادگاه در پاسخ مقرر کرد: حمله به ایساف می‌تواند عملی مغایر اهداف و اصول سازمان ملل تلقی شود. اهداف ایساف با اولین هدف مقرر در ماده ۱ منشور (حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) مطابقت دارد. متقاضی پناهندگی با حمله به ایساف به دنبال عقیم گذاشتن آن هدف بود. بنابراین، مقرر داشتن اینکه آن اعمال در اصل می‌توانند مغایر اهداف و اصول سازمان ملل در نظر گرفته شوند، با عقل سلیم مطابقت دارد و همسو با قانون است.^۴

۲. آیین، آثار و نحوه اعمال شقوق سه‌گانه محرومیت از پناهندگی

تا اینجا این فرضیه ثابت شد که علی‌رغم عدم تصریح کنوانسیون ۱۹۵۱، تفاسیر ارائه شده از ماده (و) ۱ نشان می‌دهد ارتکاب اعمال تروریستی هم می‌تواند به محرومیت از تحصیل وضعیت پناهندگی منجر شود. اینک باید دید ارزیابی این امر در چه زمان و مطابق چه استانداردهایی باید به عمل آید و اثبات آن چه آثار و عواقبی را برای متقاضی پناهندگی به همراه خواهد داشت.

1. United Nations Assistance Mission in Afghanistan: UNAMA.

2. DD v Secretary of State for the Home Department, op. cit., , paras 51,52,64.

3. Convention on the Safety of the United Nations and Associated Personnel.

4. DD v Secretary of State for the Home Department, op. cit., paras 64,68.

۲.۱. سرنوشت مشمولان بند (و) کنوانسیون پناهندگی

فردی که پس از طرح درخواست پناهندگی بنا به یکی از دلایل مندرج در ماده (و) ۱ شایسته احراز وضعیت پناهندگی تشخیص داده نشود، علی‌القاعده برخوردار از هر نوع حمایت بین‌المللی به موجب کنوانسیون پناهندگی را از دست می‌دهد. دولت میزبان، حسب صلاحدید خود، می‌تواند به محاکمه و مجازات وی بپردازد یا او را به کشور مبدأش بازگرداند.^۱ این افراد از حمایت بند ۱ ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگی^۲ و اصل شناخته شده منع بازگرداندن اجباری^۳ برخوردار نمی‌شوند. استثنا مربوط به زمانی است که فرد محروم‌شده از پناهندگی با استناد به دیگر اسناد بین‌المللی (مثل کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های وحشیانه، غیرانسانی و خوارکننده)^۴ بتواند ثابت کند در بازگشت به کشور خود در معرض رفتاری غیرانسانی قرار خواهد گرفت. در این صورت از او در برابر بازگشت حمایت می‌شود.^۵ قضیه عثمان مردی از اتباع اردن، نمونه بارزی از این وضعیت است. او که در سال ۱۹۹۴ در انگلستان به عنوان پناهنده مورد شناسایی قرار گرفته بود، طی سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به جرم تبانی در حمل مواد منفجره برای بمب‌گذاری در اردن طی احکام غیابی صادره از یک دادگاه نظامی اردنی، به ترتیب، به حبس ابد و پانزده سال حبس محکوم گردید و به همین دلیل در سال ۲۰۰۱ ادامه حضور او در انگلستان مغایر منافع عمومی آن کشور تشخیص داده شد. با وجود این، مجلس اعیان انگلستان با بازگرداندن وی به اردن مخالفت کرد؛ زیرا نتوانسته بود قانع شود که عثمان در صورت بازگشت تحت شکنجه قرار نخواهد گرفت و اعترافات به عمل آمده تحت شکنجه علیه او مورد استفاده واقع نخواهد شد.^۶

1. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., para 8.

۲. ماده ۳۳: «۱- هیچیک از دول متعاقد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص با دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.»

3. Non refoulment.

4. Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment.

5. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., para 9.

6. OO v Secretary of State for the Home Department, 18 February 2009, available at: <http://www.asylumlawdatabase.eu/sites/www.asylumlawdatabase.eu/files/aldfiles/RBAlgeriajudgment.pdf>, paras 42-43, 153-154.

۲.۲. زمان بررسی امکان محرومیت پناهجو از پناهندگی

ماده (و) ۱ به زمان بررسی شروط محرومیت از پناهندگی اشاره ندارد. اما کمیساریای پناهندگان توصیه می‌کند بررسی شروط محرومیت از پناهندگی تا بعد از بررسی شروط برخورداری از آن وضعیت به تأخیر بیفتد. شروط برخورداری از پناهندگی در ماده (۲) الف) ۱ کنوانسیون پناهندگی، در قالب تعریف پناهنده به این ترتیب مقرر شده‌اند: پناهنده کسی است که «...به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت آزار قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود بسر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد». کمیساریا بر این اعتقاد است که شروط محرومیت جنبه استثنایی دارند و بررسی آنها جز در سه مورد نباید بر بررسی شروط برخورداری از وضعیت پناهندگی اولویت داده شود: اول، صدور کیفرخواست توسط یک دادگاه کیفری بین‌المللی علیه متقاضی پناهندگی؛ دوم، وجود مدارک محکم و روشن دائر بر دخالت متقاضی در ارتکاب جرایم بسیار جدی؛ سوم، رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از دعوایی که در مرحله بدوی به استناد شروط محرومیت رد شده است.^۱

پرسش در جایی مطرح می‌شود که یک فرد پس از احراز وضعیت پناهندگی، مرتکب یکی از جرایم تصریح شده در ماده (و) ۱ شود. دادگاه‌های انگلستان در این موارد به پیروی از استدلال ارائه شده از سوی دیوان عالی کانادا در قضیه معروف پوشپناتان، جز در موارد استثنایی مشابه آنچه در مورد قضیه عثمان گفته شد، پناهندگی را لغو می‌کند و پناهنده خاطی را به کشور مبدأ بازمی‌گرداند. مستند بازگرداندن پناهنده به کشورش در این گونه موارد به جای ماده (و) ۱، ماده ۳۳ کنوانسیون پناهندگی است.^۲

دیوان عالی کانادا در تبیین علت وجودی مواد ۳۳ و ماده (و) ۱ کنوانسیون پناهندگی این گونه استدلال می‌کند: هدف کلی ماده (و) ۱ حمایت از جامعه پناه‌دهنده در برابر پناهندگان خطرناک نیست، چه آن اعمال قبل یا بعد از طرح درخواست پناهندگی ارتکاب یافته باشند. آن هدف با

1. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., para. 31.

2. OO v SSHD, op. cit., para 129.

ماده ۳۳ کنوانسیون تحقق می‌یابد. هدف ماده (و) ۱ محروم کردن پناهجویان فاقد حسن نیت از زمان طرح درخواست پناهندگی است. پس ضابطه تعیین‌کننده در اینجا زمان تحصیل پناهندگی است و در استناد به ماده (و) ۱ فقط باید اعمال ارتکاب یافته متقاضی تا پیش از آن زمان مورد توجه قرار گیرند.^۱

۲.۳. استاندارد اثبات

صدر ماده (و) ۱ از محرومیت افرادی صحبت می‌کند که علیه آنها «دلایل محکمی»^۲ دال بر ارتکاب یکی از جرایم مذکور در آن ماده وجود داشته باشد. کمیساریای پناهندگان در یادداشتی که برای تشریح شروط محرومیت از پناهندگی منتشر کرده، می‌گوید: استاندارد اثبات ماده (و) ۱، با دلایل روشن و معتبر تحقق می‌یابد و اضافه می‌کند اظهارات و شهادت شهود در صورت مطمئن بودن می‌تواند کافی باشد.^۳ در مقابل، دیوان عالی انگلستان در قضیه السیری به‌طور دقیق‌تری به تفسیر آن عبارت می‌پردازد و مقرر می‌دارد: وارد کردن استانداردهای اثبات رایج در حقوق داخلی به دعاوی پناهندگی ضروری نیست؛ چرا که شرایط و ماهیت دعاوی پناهندگی بسیار متنوع است. بنابراین باید پذیرفت که عبارت «دلایل محکم» معنای مستقلی دارد و مشابه استاندارد «ورای شک و تردید معقول»^۴ که در حقوق کیفری رایج است یا هیچ استاندارد داخلی دیگری نیست. «دلایل محکم» از «مبانی معقول»^۵ قوی‌تر است و بنابراین به مدارک واضح و معتبر نیاز است. در عمل استاندارد اثبات تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه مرجع رسیدگی متقاعد شود که احتمال ارتکاب یافتن جرایم مورد نظر توسط متقاضی یا متهم بودن او به انجام اعمال مغایر اهداف و اصول سازمان ملل متحد از عدم آن بیشتر است.^۶

1. **Pushpanathan v Canada**, 4 June 1998, available at: <https://scc-csc.lexum.com/scc-csc/scc-csc/en/item/1627/index.do>, para 58.

2. Serious reasons.

3. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., para 35.

4. Beyond reasonable doubt.

5. Reasonable grounds.

6. More likely than not; for more information see: *Al Sirri v SSHD*, op. cit., para 75.

۲.۴. آستانه لازم برای اثبات مشارکت

آستانه لازم برای اثبات مشارکت در اعمال تروریستی را برخی به صرف عضویت در سازمانی که اهداف، روش‌ها و فعالیت‌هایش آشکارا ماهیت تروریستی دارد، تحقق یافته تلقی می‌کنند. در این نظر، ضابطه تعیین‌کننده، ماهیت سازمانی است که متقاضی پناهندگی در آن عضویت داشته است. تروریستی بودن یا نبودن سازمان‌ها به‌طور معمول در پرتو ملاحظات و مواضع سیاسی دولت‌ها تعیین و در فهرستی از گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی منتشر می‌شود. این امر، تصمیم‌گیری در مورد محرومیت یا برخورداری متقاضی از وضعیت پناهندگی را به تابعی از سیاست‌های دولت تبدیل می‌کند و با توجه به آنکه صرف عضویت در گروه‌های مزبور، فارغ از علت عضویت با میزان مشارکت در اقدامات تروریستی را برای محروم کردن متقاضی کافی می‌داند، خلاف اصل برائت نیز به شمار می‌رود.^۱ با وجود این، مراجع انگلیسی رسیدگی به دعوای پناهندگی با تاثیرپذیری از یکی از آرا صادره برای مدتی از این رویکرد تبعیت می‌کردند. قضیه مربوط به مرد ۳۳ ساله‌ای از کشور نپال بود که در سال ۱۹۹۷ به عضویت حزب کمونیست نپال^۲ درآمده بود و دست‌کم ماهی پنج مرتبه در جلسات و راهپیمایی‌های آن حزب که عموماً برای اعتراض به فساد دولت برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. او پس از دومین دستگیری به علت عضویت در حزب کمونیست نپال و طرف‌داری از آن به انگلستان گریخت و خواستار پناهندگی شد. مرجع رسیدگی به دعوای این فرد پس از بررسی ادعاهای وی، علی‌رغم محدود بودن مشارکت شخصی^۳ متقاضی در فعالیت‌های حزب اعلام کرد صرف عضویت در سازمان‌های تروریستی کافی است و بدین ترتیب حکم مرجع بدوی در رد دعوای پناهندگی را مورد تأیید قرار داد.^۴

کمیساریای پناهندگان در این خصوص از دیدگاه مضیق‌تری پیروی می‌کند و برای محرومیت متقاضیان پناهندگی به اتهام ارتکاب اعمال تروریستی لازم می‌داند مشارکت مؤثر^۵ متقاضی در ارتکاب عمل تروریستی به تأیید مرجع رسیدگی‌کننده به دعوای پناهندگی برسد. از

1. Singer, op. cit., p. 12.

2. Nepalese Communist Party:CPN.

3. Personal participation .

4. *Gurung v. Secretary of State for the Home Department*, 14 October 2002, available at: http://www.refworld.org/cases,GBR_AIT,4048801a4.html, paras 4, 105.

5. Substantial contribution.

نظر کمیساریا، مشارکت مؤثر زمانی تحقق می‌یابد که متقاضی پناهندگی به‌طور آگاهانه فعل یا ترک فعلی را برای تسهیل اعمال مجرمانه‌ای مانند اعمال تروریستی انجام داده باشد. تحقق این امر نیازمند ارتکاب فیزیکی عمل مجرمانه نیست. اما مستلزم تحریک، کمک، یا معاونت آگاهانه در فعالیت‌های یک گروه تروریستی است. بدین ترتیب، عضویت داوطلبانه و آگاهانه در تشکیلاتی که اهداف، فعالیت‌ها و روش‌های خشونت‌آمیزی را دنبال می‌کنند ممکن است به محرومیت فرد از وضعیت پناهندگی منجر گردد. در این موارد، تصمیم‌گیری صحیح مستلزم بررسی فعالیت‌های گروه، ساختار سازمانی آن، پست سازمانی فرد، میزان تأثیرگذاری فرد در تصمیمات سازمان و انشقاق احتمالی سازمان مورد نظر است.^۱

این موضع‌گیری سرانجام مورد توجه دادگاه‌های انگلستان هم قرار گرفت. هفت سال بعد از قضیه گرانگ، دادگاه استیناف انگلستان در دعوی پناهندگی یک زن کُرد از کشور سوریه با تغییر موضع قبلی، از رویکرد کمیساریا تبعیت کرد. موضوع از این قرار بود که متقاضی پناهندگی به علت مورد آزار قرار گرفتن خانواده‌اش از جانب مقامات سوری، در سیزده سالگی به عضویت حزب کارگران کردستان (پکک)^۲ درآمده بود. او در راهپیمایی‌ها پرچم حزب را در دست می‌گرفت و در صف مقدم رژه می‌داد. پس از مدتی در یک اردوگاه پناهندگان به عنوان پرستار مشغول به کار شد. کمی بعد داوطلب شد تا اسلحه به دست بگیرد، اما هرگز از آن استفاده نکرد. دعوی پناهندگی وی در مرحله بدوی به علت عضویت در پکک و حمایت از آن مردود اعلام شد. اما دادگاه استیناف در نقض آن مقرر داشت: اگرچه نام پکک در فهرست سازمان‌های تروریستی که توسط دولت انگلستان تهیه شده، قرار دارد، اما این سازمان اصولاً ماهیت تروریستی ندارد. به علاوه، فعالیت‌های متقاضی برای پکک نسبتاً جزئی بوده‌اند. تنها مبنای محروم کردن او از پناهندگی صرف عضویت در آن حزب است که برای اعمال فقره (ج) از ماده (و) ۱ کافی نیست.^۳

1. UNHCR Guidelines on International Protection, op. cit., paras 18,19.

2. Partiya Karkeren Kurdistan: PKK (Kurdistan Workers' Party).

3. MH v. Secretary of State for the Home Department, 24 March 2009, available at: http://www.refworld.org/cases,GBR_CA_CIV,49ca60ae2.html, , paras 29-41; see also R v. Secretary of State for the Home Department, 17 March 2010, available at: <https://www.supremecourt.uk/cases/docs/uksc-2009-0121-judgment.pdf>, , para 112.

نتیجه گیری

دولت‌ها اعطای پناهندگی را امری در تعارض با حاکمیت خود می‌دانند. از همین روست که در کنوانسیون پناهندگی نه تنها اثری از اشاره به تعهد حقوقی بین‌المللی دولت‌ها به اعطای پناهندگی مشاهده نمی‌شود، بلکه به دولت‌ها اجازه داده شده برای جلوگیری از عدالت‌گریزی جنایتکاران، حفظ امنیت داخلی خود و نقش‌آفرینی در تحقق و تثبیت صلح و امنیت بین‌المللی، دسته‌های خاصی از متقاضیان پناهندگی را علی‌رغم دارا بودن شرایط کلی، از پناهندگی محروم کنند. مرتکبان جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، جرایم غیرسیاسی مهم، و مرتکبان اقداماتی علیه اهداف و اصول ملل متحد در این دسته‌های خاص قرار می‌گیرند.

ظهور تروریسم بین‌المللی و بیمناکی مراجع بین‌المللی و مقامات ملی از تبدیل شدن خاک کشورهای پناهنده‌پذیر به مأمی برای تروریست‌ها موجب شده اهتمام کمیساریای پناهندگان و مراجع رسیدگی به دعاوی پناهندگی بر گنجاندن مرتکبان جرایم تروریستی در زمره محرومان از پناهندگی باشد. در نگاه اول به نظر می‌رسد، فقدان تعریف مورد اجماع بین‌المللی از تروریسم از یکسو و نامشخص بودن چارچوب دقیق شروط محرومیت از پناهندگی از سوی دیگر، آزادی عمل زیادی به دولت‌ها برای محروم کردن متقاضیان پناهندگی اعطا کرده است؛ در عمل اما، همان‌طور که در این مقاله نیز به اختصار اشاره شد، این آزادی تحت تأثیر دستورات شورای امنیت در مقابله با تروریسم، توصیه‌های کمیساریای پناهندگان و تفاسیر قضایی مستقلانه مراجع رسیدگی به دعاوی پناهندگی چارچوب محدود و پیش‌بینی‌پذیرتری به خود گرفته است. این امر ضمن آنکه ضرورت تجدیدنظر در کنوانسیون پناهندگی در این حوزه بخصوص را به حداقل می‌رساند، اهمیت تأسیس و تقویت مراجع مستقل رسیدگی به دعاوی پناهندگی را یک بار دیگر به اثبات می‌رساند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. عبدالهی، محسن، *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.

ب) منابع انگلیسی

Book

2. Grahl-Madsen, *The Status of Refugees in International Law*, vol I, Sijthoff-Leiden, 1966.

Articles

3. Singer, Sarah, "Exclusion from Refugee Status: Asylum Seekers and Terrorism in the UK", *Legal Research Series Working Paper*, No. 2, Center for Criminal Justice & Human Rights, Ireland, 2012.
4. Yakut-Bahtiyar, Zarif, "Exclusion clauses of the Refugee Convention in relation to National Immigration Legislations", Ph.D. Thesis, Tilburg University, The Netherlands, 2016, available at:
https://pure.uvt.nl/ws/files/13414598/Yakut_Bahtiyar_Exclusion_18_04_2016_emb_tot_18_07_2016.pdf.

Judgements

5. **AH v Secretary of State for the Home Department**, 2 April 2012, available at:
http://www.refworld.org/cases,GBR_CA_CIV,4fedc0fb2.html.
6. **Al-Sirri v Secretary of State for the Home Department**, 21 November 2012, available at:
http://www.asylumlawdatabase.eu/sites/www.asylumlawdatabase.eu/files/alldfiles/UKSC%2054_%2021%20November%202012.pdf.
7. **DD v Secretary of State for the Home Department**, 21 November 2012, available at:
http://www.asylumlawdatabase.eu/sites/www.asylumlawdatabase.eu/files/alldfiles/UKSC%2054_%2021%20November%202012.pdf.

8. **DS v Secretary of State for the Home Department**, 24 March 2009, available at:
http://www.refworld.org/cases,GBR_CA_CIV,49ca60ae2.html.
9. **Gurung v. Secretary of State for the Home Department**, 14 October 2002, available at:
http://www.refworld.org/cases,GBR_AIT,4048801a4.html.
10. **MH v. Secretary of State for the Home Department**, 24 March 2009, available at:
http://www.refworld.org/cases,GBR_CA_CIV,49ca60ae2.html.
11. **Nationality, Immigration and Asylum Act 2002**, available at:
<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2002/41/section/72>.
12. **Immigration, Asylum and Nationality Act 2006**, available at:
<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/13/section/54>.
13. **OO v Secretary of State for the Home Department**, 18 February 2009, available at:
<http://www.asylumlawdatabase.eu/sites/www.asylumlawdatabase.eu/files/aldfiles/RBAAlgeriajudgment.pdf>.
14. **Pushpanathan v Canada, 4 June 1998**, available at: <https://scc-csc.lexum.com/scc-csc/scc-csc/en/item/1627/index.do>.
15. **R v. Secretary of State for the Home Department**, 17 March 2010, available at: <https://www.supremecourt.uk/cases/docs/uksc-2009-0121-judgment.pdf>.
16. **T v Secretary of State for the Home Department**, 22 May 1996, available at:
http://www.legco.gov.hk/yr13-14/english/hc/sub_leg/sc53/papers/sc530121cb2-897-1-e.pdf.

Documents

18. Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 9 December 1999.
19. Convention on the Status of Refugee, 28 July 1951 .
20. Home Office, Exclusion (Article 1F) and Article 33(2) of the Refugee Convention, Version 6.0, Published for Home Office staff on 1 July 2016, available at: <http://www.refworld.org/pdfid/58b017e4391.pdf> .
21. ICC Statue, 17 July 1998.
22. Security Council Resolution 1373, 28 September 2001 .
23. Security Council Resolution 1377, 12 November 2001.

24. UNHCR, Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status, 1979, re-edited in 1992.
25. UNHCR, Guidelines on International Protection: Application of the Exclusion Clauses: Article 1F of the 1951 Convention relating to the Status of Refugees, HCR/GIP/03/05, 4 September 2003.